TRANSCRIPT · EPISODE 237

AI Agents for Everyday Life: Your Personal English Practice Partner

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

201 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

It is Sunday evening, and you have promised yourself that this week you will practise your English.

عصر یکشنبه است و به خودت قول داده‌ای این هفته انگلیسی تمرین کنی.

But tomorrow is busy, you are not sure where to start, and you do not want to make mistakes in front of anyone.

اما فردا سرت شلوغ است، نمی‌دانی از کجا شروع کنی و نمی‌خواهی جلوی دیگران اشتباه کنی.

What if you had a patient practice partner ready for the ten minutes you actually have?

چه می‌شد اگر همراهی صبور برای همان ده دقیقه‌ای که واقعا وقت داری آماده تمرین بود؟

You can begin with a normal AI chat, and some tools let you create a helper that follows your own learning instructions.

می‌توانی با یک چت معمولی هوش مصنوعی شروع کنی و بعضی ابزارها اجازه می‌دهند دستیاری بسازی که از دستورهای یادگیری خودت پیروی کند.

Today, we will build one together and see what it can really do.

امروز با هم یکی می‌سازیم و می‌بینیم واقعا چه کارهایی می‌تواند انجام دهد.

Welcome to Your English Toolbox.

به Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Martin, and Julia and Theo are here with me.

من مارتین هستم و جولیا و تئو هم اینجا با من هستند.

Hello, everyone.

سلام به همه.

Last time, we talked about AI and jobs.

دفعه قبل درباره هوش مصنوعی و شغل‌ها صحبت کردیم.

Today, we are bringing the conversation closer to home.

امروز این گفتگو را به زندگی روزمره خودمان نزدیک‌تر می‌کنیم.

We keep hearing about AI agents, but many of us have only ever used a chatbot.

مدام درباره عامل‌های هوش مصنوعی می‌شنویم، اما بسیاری از ما فقط از یک چت‌بات استفاده کرده‌ایم.

So we will start there, with a simple example, and then create a helper for your English.

پس از همین‌جا با یک مثال ساده شروع می‌کنیم و بعد دستیاری برای انگلیسی تو می‌سازیم.

We will also look at a few everyday tasks and what you need to check before trusting the result.

همچنین چند کار روزمره و چیزهایی را که باید پیش از اعتماد به نتیجه بررسی کنی مرور می‌کنیم.

And by the end, you will have a short set of instructions you can try yourself.

و در پایان چند دستور کوتاه خواهی داشت که می‌توانی خودت امتحان کنی.

Theo, I know what a chat is.

تئو، من می‌دانم چت چیست.

I type a question, and the AI gives me an answer.

من سؤالی می‌نویسم و هوش مصنوعی پاسخی به من می‌دهد.

Exactly, for example, you might ask it to explain a word you heard in a film.

دقیقا، مثلا می‌توانی از آن بخواهی کلمه‌ای را که در فیلم شنیده‌ای توضیح دهد.

And then I have to tell it what I need again the next time.

و دفعه بعد باید دوباره به آن بگویم چه چیزی لازم دارم.

That depends on the app and its settings, but a normal chat often begins with you explaining the task.

این به برنامه و تنظیماتش بستگی دارد، اما معمولا در یک چت عادی ابتدا کار را توضیح می‌دهی.

So what is an agent?

پس عامل چیست؟

Think of a helper given a goal and instructions for how to work towards it.

دستیاری را تصور کن که هدفی و دستورهایی برای رسیدن به آن دریافت می‌کند.

Depending on the tool, it may also use other tools or take several steps to help complete that goal.

بسته به ابزار، ممکن است از ابزارهای دیگر هم استفاده کند یا چند مرحله را برای رسیدن به هدف انجام دهد.

Can you make that less mysterious?

می‌توانی آن را ساده‌تر و روشن‌تر توضیح بدهی؟

Imagine asking for ideas for dinner using the vegetables you already have.

تصور کن با سبزیجاتی که از قبل داری، ایده‌هایی برای شام بخواهی.

A chat can suggest a recipe when you ask.

یک چت می‌تواند وقتی از آن می‌خواهی، دستور غذایی پیشنهاد دهد.

And what might an agent add?

و یک عامل چه چیز دیگری می‌تواند اضافه کند؟

A more capable assistant might also search for recipes and organise the ingredients into a list, if it has those tools.

دستیار توانمندتر می‌تواند دستورهای غذا را هم جست‌وجو کند و مواد لازم را در فهرستی مرتب کند، اگر این ابزارها را داشته باشد.

So it can do more than give one answer, but only within the access and features it has been given.

پس می‌تواند بیش از یک پاسخ بدهد، اما فقط در محدوده دسترسی‌ها و قابلیت‌هایی که به آن داده شده است.

Yes, and different products use the word agent in different ways.

بله، و محصولات مختلف واژه عامل را به شکل‌های متفاوتی به کار می‌برند.

Does it have to act on my behalf to be useful?

آیا برای مفید بودن باید از طرف من عمل کند؟

No, a personalised helper can be useful even if it only talks with you and cannot operate other apps.

نه، یک دستیار شخصی حتی اگر فقط با تو گفتگو کند و نتواند برنامه‌های دیگر را کنترل کند، می‌تواند مفید باشد.

That distinction matters for our English practice.

این تفاوت برای تمرین انگلیسی ما مهم است.

It does, because a saved set of tutoring instructions is not automatically an independent agent that can use your apps.

بله، چون مجموعه‌ای از دستورهای آموزشی ذخیره‌شده خودبه‌خود یک عامل مستقل نیست که بتواند از برنامه‌هایت استفاده کند.

So I do not need to worry about a robot booking my holidays while I learn a new verb.

پس لازم نیست نگران باشم رباتی هنگام یادگیری یک فعل جدید تعطیلاتم را رزرو کند.

Not unless you give something that ability, Martin.

نه، مگر اینکه چنین قابلیتی به آن بدهی، مارتین.

And even then, what it can do depends on the service and the permissions you allow.

و حتی آن وقت هم کارهایی که می‌تواند انجام دهد به سرویس و مجوزهایی که می‌دهی بستگی دارد.

What could I use one for outside work?

بیرون از محیط کار برای چه کاری می‌توانم از آن استفاده کنم؟

I always come home with ingredients and no idea what to cook.

من همیشه با مواد غذایی به خانه می‌رسم و نمی‌دانم چه بپزم.

Try asking for three simple dinner ideas using what you already have.

سعی کن با چیزهایی که داری سه ایده ساده برای شام بخواهی.

Add how much time you have and any foods you need to avoid.

بگو چقدر وقت داری و از چه غذاهایی باید پرهیز کنی.

Then ask it to turn the recipe I choose into a shopping list.

بعد از آن بخواه دستور غذایی انتخابی‌ام را به فهرست خرید تبدیل کند.

That would help me decide without handing over the decision.

این کمکم می‌کند تصمیم بگیرم، بدون اینکه اختیار تصمیم را واگذار کنم.

And if you have an allergy, check every ingredient and label yourself rather than relying on a generated recipe.

و اگر آلرژی داری، به جای اعتماد به دستور تولیدشده، خودت همه مواد و برچسب‌ها را بررسی کن.

What about planning a weekend away?

برای برنامه‌ریزی یک سفر آخر هفته چطور؟

You could ask it to suggest a simple plan within your budget and with time for breaks.

می‌توانی برنامه‌ای ساده متناسب با بودجه‌ات و همراه با زمان استراحت بخواهی.

I would ask for a few options, not a timetable that leaves no room for getting lost.

من چند گزینه می‌خواهم، نه برنامه‌ای که جایی برای گم شدن نگذارد.

Getting lost is part of your travel plan, Julia.

گم شدن جزئی از برنامه سفر توست، جولیا.

Only the interesting kind.

فقط نوع جالبش.

If the tool can search the web, ask for links and check current prices and opening times with the provider.

اگر ابزار می‌تواند اینترنت را جست‌وجو کند، پیوند بخواه و قیمت‌ها و ساعت‌های فعلی را با ارائه‌دهنده بررسی کن.

A suggestion is not a reservation, and the ability to book depends on the particular tool.

پیشنهاد به معنی رزرو نیست و امکان رزرو به ابزار مورد استفاده بستگی دارد.

So far, I could do both examples in an ordinary chat.

تا اینجا می‌توانستم هر دو مثال را در یک چت معمولی انجام دهم.

Absolutely, and that is a good place to start.

دقیقا، و این نقطه شروع خوبی است.

When does creating a personal helper become useful?

چه زمانی ساختن یک دستیار شخصی مفید می‌شود؟

When you want the same kind of help again and again without rewriting all your preferences each time.

وقتی بارها به یک نوع کمک نیاز داری و نمی‌خواهی هر بار همه ترجیحاتت را دوباره بنویسی.

Then let us make one for someone learning English.

پس بیایید یکی برای فردی که انگلیسی یاد می‌گیرد بسازیم.

Let us call her Ana.

اسم او را آنا می‌گذاریم.

Ana understands a lot, but when she needs to speak, she worries that she will choose the wrong words.

آنا چیزهای زیادی می‌فهمد، اما وقتی باید صحبت کند نگران انتخاب واژه‌های اشتباه است.

She wants to practise, but she has ten minutes between work and dinner.

او می‌خواهد تمرین کند، اما بین کار و شام فقط ده دقیقه وقت دارد.

That is enough time for a small, useful practice session.

این زمان برای یک جلسه تمرین کوتاه و مفید کافی است.

She does not need another long list of words that she will never use.

او به یک فهرست طولانی دیگر از واژه‌هایی که هرگز استفاده نمی‌کند نیاز ندارد.

She can ask for practice based on a situation she actually expects to meet.

او می‌تواند تمرینی بر اساس موقعیتی بخواهد که واقعا انتظار دارد با آن روبه‌رو شود.

For example, she needs to speak to a neighbour about a noisy repair.

برای مثال باید درباره تعمیراتی پرسروصدا با همسایه‌ای صحبت کند.

And she wants to sound polite without sounding angry.

و می‌خواهد مؤدب به نظر برسد، بدون اینکه عصبانی به نظر بیاید.

That is already a clear goal for a practice partner.

این خودش هدف روشنی برای یک همراه تمرین است.

Where does she begin?

از کجا شروع کند؟

First, she can try the idea in a normal chat and see whether it helps.

ابتدا می‌تواند این ایده را در یک چت معمولی امتحان کند و ببیند کمکش می‌کند یا نه.

Some services also let her save instructions in a custom assistant, so she can return to them later.

برخی سرویس‌ها امکان ذخیره دستورها در یک دستیار شخصی را هم می‌دهند تا بعدا به آن‌ها برگردد.

Does she need to know how to code?

آیا لازم است برنامه‌نویسی بداند؟

Not for every tool, because some let you describe the helper you want in ordinary language.

برای همه ابزارها نه، چون بعضی اجازه می‌دهند دستیار مورد نظرت را با زبان معمولی توصیف کنی.

For example, Microsoft describes a builder for custom agents in its work and school Copilot experience.

برای مثال، مایکروسافت ابزاری برای ساخت عامل‌های شخصی در نسخه کاری و آموزشی کوپایلوت معرفی می‌کند.

What would Ana do if she had access to it?

اگر آنا به آن دسترسی داشت چه می‌کرد؟

In that experience, an eligible user can open Agents, choose New Agent, and describe the helper they want.

در آن محیط، کاربر واجد شرایط می‌تواند Agents را باز کند، New Agent را انتخاب کند و دستیار مورد نظرش را توصیف کند.

Then she can follow the setup, test the helper, and save it.

سپس می‌تواند مراحل راه‌اندازی را دنبال کند، دستیار را امتحان کند و ذخیره‌اش کند.

Access depends on the account and licence, and the screens may change.

دسترسی به حساب و مجوز بستگی دارد و صفحه‌ها ممکن است تغییر کنند.

So if Ana cannot find that feature, she can still use the instructions in an ordinary chat.

پس اگر آنا آن قابلیت را پیدا نکند، همچنان می‌تواند دستورها را در یک چت معمولی استفاده کند.

Exactly, she can try the exercise in a free chat service if one is available to her.

دقیقا، اگر سرویس چت رایگانی در دسترسش باشد می‌تواند تمرین را در آن امتحان کند.

All right, let us help Ana write those instructions.

بسیار خوب، بیایید به آنا کمک کنیم این دستورها را بنویسد.

Start by saying what kind of helper you want.

ابتدا بگو چه نوع دستیاری می‌خواهی.

“You are my patient English practice partner.”

«تو همراه صبور من برای تمرین انگلیسی هستی.»

Then tell it about your level and your goal.

بعد درباره سطح و هدفت به آن بگو.

“My English is around B1, and I want to feel more comfortable in everyday conversations.”

«سطح انگلیسی من حدود B1 است و می‌خواهم در گفتگوهای روزمره راحت‌تر باشم.»

If you are not sure of your level, say what you can do and what feels difficult.

اگر از سطح خود مطمئن نیستی، بگو چه کارهایی می‌توانی انجام دهی و چه چیزهایی برایت دشوار است.

Ana understands simple conversations but needs more time to find her own words.

آنا گفتگوهای ساده را می‌فهمد، اما برای پیدا کردن کلمات خودش به زمان بیشتری نیاز دارد.

Good, and next she can describe how the practice should work.

خوب، سپس می‌تواند توضیح دهد که تمرین باید چگونه پیش برود.

“Ask me one short question at a time, and wait for my answer.”

«هر بار یک سؤال کوتاه از من بپرس و منتظر پاسخم بمان.»

That part is important, because I do not want ten questions arriving at once.

این بخش مهم است، چون نمی‌خواهم ده سؤال هم‌زمان دریافت کنم.

She can also say how she wants feedback.

او همچنین می‌تواند بگوید چه نوع بازخوردی می‌خواهد.

“Let me try first, then correct the most useful mistake and explain it simply.”

«بگذار اول خودم تلاش کنم، سپس مفیدترین اشتباه را اصلاح کن و ساده توضیح بده.»

Why only one mistake?

چرا فقط یک اشتباه؟

It is a starting preference, so a learner is not overwhelmed by a page of corrections.

این یک ترجیح اولیه است تا زبان‌آموز با صفحه‌ای پر از اصلاحات سردرگم نشود.

She can ask for more detail whenever she wants it.

هر وقت بخواهد می‌تواند جزئیات بیشتری درخواست کند.

And how does she stop it from giving the answer too soon?

و چطور مانع می‌شود که دستیار پاسخ را خیلی زود بگوید؟

She can add, “Give me a hint before you show me the answer.”

می‌تواند اضافه کند: «پیش از نشان دادن پاسخ، یک راهنمایی به من بده.»

We also want material that fits the time available.

همچنین محتوایی می‌خواهیم که با زمان موجود متناسب باشد.

“Keep each practice session short enough for ten minutes.”

«هر جلسه تمرین را طوری کوتاه نگه دار که در ده دقیقه بگنجد.»

Those instructions can be saved where the service supports it, or copied into a new chat when needed.

اگر سرویس پشتیبانی کند می‌توان دستورها را ذخیره کرد یا در صورت نیاز در چتی جدید کپی کرد.

It sounds like writing a small note to a teacher about what helps you learn.

این شبیه نوشتن یادداشتی کوتاه برای معلم درباره چیزهایی است که به یادگیری‌ات کمک می‌کنند.

And it is fine to change the note if the first attempt does not work.

و اگر تلاش اول جواب نداد، تغییر دادن یادداشت اشکالی ندارد.

Let us try Ana's neighbour situation.

بیایید موقعیت آنا با همسایه‌اش را تمرین کنیم.

The helper asks, “How would you politely ask your neighbour when the repairs will finish?”

دستیار می‌پرسد: «چطور مؤدبانه از همسایه‌ات می‌پرسی تعمیرات چه زمانی تمام می‌شود؟»

Ana pauses, because she is not sure how to begin.

آنا مکث می‌کند، چون مطمئن نیست چطور شروع کند.

She could ask for a hint instead of a complete answer.

او می‌تواند به جای پاسخ کامل، یک راهنمایی بخواهد.

The hint might be, “Start with a friendly greeting, then ask if they know when the work will end.”

راهنمایی می‌تواند این باشد: «با سلامی دوستانه شروع کن و بعد بپرس آیا می‌داند کار چه زمانی تمام می‌شود.»

Now she tries, “Hello, do you know when the work will finish?”

حالا تلاش می‌کند: «سلام، می‌دانی کار چه زمانی تمام می‌شود؟»

That is clear and polite.

این روشن و مؤدبانه است.

Could she make it a little softer?

آیا می‌تواند آن را کمی ملایم‌تر بیان کند؟

She could try, “Hi, do you happen to know when the work will finish?”

می‌تواند بگوید: «سلام، اتفاقا می‌دانی کار چه زمانی تمام می‌شود؟»

What does “do you happen to know” add?

عبارت «do you happen to know» چه چیزی اضافه می‌کند؟

It makes the question sound a little less direct.

باعث می‌شود سؤال کمی غیرمستقیم‌تر به نظر برسد.

And the helper could give Ana another situation to practise the same phrase, rather than simply asking her to memorise it.

و دستیار می‌تواند موقعیت دیگری به آنا بدهد تا همان عبارت را تمرین کند، به جای اینکه فقط آن را حفظ کند.

For example, “Do you happen to know when the shop closes?”

برای مثال: «اتفاقا می‌دانی فروشگاه چه زمانی می‌بندد؟»

Now Ana has a phrase she can use beyond that one conversation.

حالا آنا عبارتی دارد که می‌تواند بیرون از آن گفتگوی خاص هم به کار ببرد.

What if Ana wants to practise translating from her own language?

اگر آنا بخواهد ترجمه از زبان خودش را تمرین کند چه؟

She can ask the helper to give her a short sentence in the language she chooses.

می‌تواند از دستیار بخواهد جمله‌ای کوتاه به زبان انتخابی‌اش به او بدهد.

Then she translates it into English before seeing a suggested answer.

سپس پیش از دیدن پاسخ پیشنهادی، آن را به انگلیسی ترجمه می‌کند.

I like that, because the difficult part is finding the words myself.

این را دوست دارم، چون بخش دشوار پیدا کردن واژه‌ها توسط خودم است.

Let us imagine the meaning is that Ana started living here three years ago and still lives here now.

تصور کنیم آنا سه سال پیش زندگی در اینجا را شروع کرده و هنوز هم اینجا زندگی می‌کند.

She tries, “I live here since three years.”

او تلاش می‌کند بگوید: «I live here since three years.»

A natural correction would be, “I have lived here for three years.”

اصلاحی طبیعی این است: «I have lived here for three years.»

And the useful explanation is that the situation started in the past and continues now.

توضیح مفید این است که این وضعیت در گذشته شروع شده و اکنون ادامه دارد.

Could the helper give another correct answer?

آیا دستیار می‌تواند پاسخ درست دیگری هم بدهد؟

Yes, “I have been living here for three years” is also possible.

بله، «I have been living here for three years» هم ممکن است.

That matters, because language is not always a puzzle with one single answer.

این مهم است، چون زبان همیشه معمایی با فقط یک پاسخ نیست.

Ana can ask, “Is my version understandable, and is there a more natural way to say it?”

آنا می‌تواند بپرسد: «آیا جمله من قابل فهم است و آیا روش طبیعی‌تری برای گفتن آن وجود دارد؟»

And if the explanation is confusing?

و اگر توضیح گیج‌کننده باشد چه؟

Ask for a simpler example, or check the point with a reliable dictionary or teacher.

مثال ساده‌تری بخواه یا موضوع را با فرهنگ لغت معتبر یا معلم بررسی کن.

What else could Ana make with her helper?

آنا با دستیارش چه چیز دیگری می‌تواند بسازد؟

She could ask for a short dialogue between neighbours, followed by three questions about its meaning.

می‌تواند گفتگویی کوتاه میان همسایگان همراه با سه سؤال درباره معنای آن بخواهد.

Or a few practice sentences using expressions she has already met in an episode of this podcast.

یا چند جمله تمرینی با عبارت‌هایی که قبلا در یکی از قسمت‌های این پادکست دیده است.

She could say, “Make them suitable for my level and use situations from daily life.”

می‌تواند بگوید: «آن‌ها را مناسب سطح من بساز و از موقعیت‌های زندگی روزمره استفاده کن.»

And she might add, “Do not show the answers until I have tried.”

و می‌تواند اضافه کند: «تا وقتی خودم تلاش نکرده‌ام پاسخ‌ها را نشان نده.»

What if the exercise is too easy?

اگر تمرین بیش از حد آسان باشد چه؟

Tell the helper what was easy and ask for one small step up in difficulty.

به دستیار بگو چه چیزی آسان بود و بخواه دشواری را یک مرحله کمی بیشتر کند.

And if every sentence is full of words she has never seen?

و اگر هر جمله پر از واژه‌هایی باشد که هرگز ندیده است چه؟

She can ask for shorter sentences and explanations of the useful new words.

می‌تواند جمله‌های کوتاه‌تر و توضیح واژه‌های جدید و مفید را بخواهد.

For people with access through education, Microsoft's Study and Learn tool describes activities such as quizzes and questions based on uploaded materials.

ابزار Study and Learn مایکروسافت برای کسانی که دسترسی آموزشی دارند فعالیت‌هایی مانند آزمون و پرسش بر اساس مطالب بارگذاری‌شده را معرفی می‌کند.

That particular tool requires an eligible education account, and other services offer different features.

این ابزار خاص به حساب آموزشی واجد شرایط نیاز دارد و سرویس‌های دیگر امکانات متفاوتی ارائه می‌کنند.

So the goal is not to find one perfect product.

پس هدف یافتن یک محصول کامل و بی‌نقص نیست.

It is to make the practice fit the person and the time they have.

هدف این است که تمرین با فرد و زمان در دسترس او متناسب باشد.

I have one worry, Theo.

یک نگرانی دارم، تئو.

What if the helper confidently corrects something that was already right?

اگر دستیار با اطمینان چیزی را اصلاح کند که از قبل درست بوده چه؟

It can make mistakes, and it can also prefer one natural expression when another is equally good.

ممکن است اشتباه کند و یک عبارت طبیعی را ترجیح دهد، در حالی که عبارتی دیگر هم به همان اندازه خوب است.

That might leave a learner feeling they have failed when they have not.

این ممکن است به زبان‌آموز احساس شکست بدهد، در حالی که واقعا شکست نخورده است.

Exactly, so ask why it made a correction and compare important points with a reliable source.

دقیقا، پس بپرس چرا اصلاحی انجام داده و نکات مهم را با منبعی معتبر مقایسه کن.

And can it tell me whether my pronunciation sounds right?

و آیا می‌تواند بگوید تلفظم درست به نظر می‌رسد یا نه؟

Some tools support voice, but feedback features vary, and a written chat cannot hear you speak.

بعضی ابزارها از صدا پشتیبانی می‌کنند، اما امکانات بازخورد متفاوت‌اند و چت نوشتاری نمی‌تواند صدای تو را بشنود.

Even with voice, I would check whether the feedback is actually useful rather than assume it is always accurate.

حتی با صدا هم بررسی می‌کنم بازخورد واقعا مفید است یا نه، به جای اینکه تصور کنم همیشه دقیق است.

Should Ana upload every personal document she has, so it knows everything about her?

آیا آنا باید همه مدارک شخصی‌اش را بارگذاری کند تا دستیار همه چیز را درباره او بداند؟

Please do not make that your first experiment, Martin.

لطفا این را اولین آزمایشت قرار نده، مارتین.

Start with the level, goals and examples you are comfortable sharing, and check the privacy settings and terms of the service.

با سطح، هدف‌ها و مثال‌هایی که با اشتراک‌گذاری‌شان راحتی شروع کن و تنظیمات حریم خصوصی و شرایط سرویس را بررسی کن.

If you use someone else's material, make sure you have the right to share it.

اگر از مطالب شخص دیگری استفاده می‌کنی، مطمئن شو حق اشتراک‌گذاری آن‌ها را داری.

And if I use a tool connected to my other apps?

و اگر از ابزاری متصل به برنامه‌های دیگرم استفاده کنم چه؟

Check what it can access or change before giving permission.

پیش از دادن مجوز بررسی کن به چه چیزهایی دسترسی دارد یا چه چیزهایی را می‌تواند تغییر دهد.

A useful practice partner should give you more confidence and choices, not take them away.

یک همراه تمرین مفید باید اعتمادبه‌نفس و انتخاب‌های بیشتری به تو بدهد، نه اینکه آن‌ها را از تو بگیرد.

I started this conversation thinking an AI agent sounded like something for experts.

این گفتگو را با این فکر شروع کردم که عامل هوش مصنوعی چیزی مخصوص متخصصان است.

Now I am thinking about small problems that take up space in my head.

حالا به مشکلات کوچکی فکر می‌کنم که فضای ذهنم را اشغال می‌کنند.

That is a good place to look for ideas, as long as you choose what you want help with.

این جای خوبی برای یافتن ایده است، به شرطی که خودت انتخاب کنی در چه زمینه‌ای کمک می‌خواهی.

I could ask a helper to turn a long list of things I need to do into a simple plan for the week.

می‌توانم از دستیار بخواهم فهرست طولانی کارهایم را به برنامه‌ای ساده برای هفته تبدیل کند.

And ask it to leave room for the unexpected, because my weeks never go exactly to plan.

و از آن بخواهم برای اتفاقات پیش‌بینی‌نشده جا بگذارد، چون هفته‌های من هیچ‌وقت دقیقا طبق برنامه پیش نمی‌روند.

Yes, and if it cannot see your calendar, you can tell it only the times you want to share.

بله، و اگر به تقویمت دسترسی ندارد می‌توانی فقط زمان‌هایی را که می‌خواهی به اشتراک بگذاری به آن بگویی.

What if I receive a difficult letter and do not understand what it is asking?

اگر نامه‌ای پیچیده دریافت کنم و نفهمم چه چیزی از من می‌خواهد چه؟

You could ask a chat to explain the wording in plain language and suggest questions to ask the sender.

می‌توانی از چت بخواهی متن را با زبان ساده توضیح دهد و پرسش‌هایی برای فرستنده پیشنهاد کند.

Without putting in my address, account numbers, or other private details if they are not needed.

بدون وارد کردن نشانی، شماره حساب یا اطلاعات خصوصی دیگرم اگر لازم نباشند.

And for an important decision, check the original message and ask the right person or a qualified adviser.

و برای تصمیمی مهم، پیام اصلی را بررسی کن و از فرد مناسب یا مشاور واجد صلاحیت کمک بگیر.

I could also use it to plan meals for the week around my budget and the time I have.

همچنین می‌توانم برای برنامه‌ریزی غذاهای هفته بر اساس بودجه و زمانم از آن استفاده کنم.

Or compare a few things I might need for a trip, then check the prices before I decide.

یا چند چیز مورد نیاز سفر را مقایسه کنم و پیش از تصمیم‌گیری قیمت‌ها را بررسی کنم.

Those are good examples, and live information requires a tool that can access it.

این‌ها مثال‌های خوبی هستند و اطلاعات به‌روز به ابزاری نیاز دارند که بتواند به آن‌ها دسترسی داشته باشد.

It seems useful for someone caring for a family member, too.

برای کسی که از یکی از اعضای خانواده مراقبت می‌کند هم مفید به نظر می‌رسد.

They might want help turning a list of questions into a clear note for an appointment.

شاید بخواهد برای تبدیل فهرستی از سؤال‌ها به یادداشتی روشن برای یک قرار کمک بگیرد.

Yes, the person can decide what to ask and share only information they are comfortable sharing.

بله، فرد می‌تواند تصمیم بگیرد چه بپرسد و فقط اطلاعاتی را که با اشتراک‌گذاری‌شان راحت است به اشتراک بگذارد.

The helper can organise the questions, but it does not know my family the way I do.

دستیار می‌تواند پرسش‌ها را مرتب کند، اما خانواده‌ام را مانند من نمی‌شناسد.

And it does not replace the professional who can answer them.

و جای متخصصی را که می‌تواند به آن‌ها پاسخ دهد نمی‌گیرد.

The same principle applies to learning a language.

همین اصل درباره یادگیری زبان هم صدق می‌کند.

The tool can prepare the practice, but you decide what matters in your life and make the words your own.

ابزار می‌تواند تمرین را آماده کند، اما تو تصمیم می‌گیری چه چیزی در زندگی‌ات مهم است و واژه‌ها را از آن خود می‌کنی.

Let us return to that busy Sunday evening.

بیایید به آن عصر شلوغ یکشنبه برگردیم.

Ana has not found an extra hour in her day.

آنا یک ساعت اضافه در روزش پیدا نکرده است.

She still has work tomorrow, dinner to prepare, and a conversation she feels nervous about.

او هنوز فردا کار دارد، باید شام آماده کند و گفتگویی پیش رو دارد که برایش اضطراب‌آور است.

But now she has a way to use ten minutes to practise that conversation.

اما حالا راهی دارد تا ده دقیقه را صرف تمرین آن گفتگو کند.

She asks for one question at a time and a hint before the answer.

او هر بار یک سؤال و پیش از پاسخ یک راهنمایی می‌خواهد.

She tries the words herself, and the helper explains one useful correction.

خودش گفتن واژه‌ها را تمرین می‌کند و دستیار یک اصلاح مفید را توضیح می‌دهد.

If the exercise does not fit, she can ask for a change, or choose a different tool.

اگر تمرین مناسبش نباشد، می‌تواند تغییر بخواهد یا ابزار دیگری انتخاب کند.

And if an answer sounds wrong, she can ask why and check it with a reliable source.

و اگر پاسخی نادرست به نظر برسد، می‌تواند دلیلش را بپرسد و آن را با منبعی معتبر بررسی کند.

Perhaps tomorrow she will still feel nervous when she speaks to her neighbour.

شاید فردا هم هنگام صحبت با همسایه‌اش مضطرب باشد.

That is all right, because confidence does not have to arrive before you begin.

اشکالی ندارد، چون لازم نیست اعتمادبه‌نفس پیش از شروع کردن پیدا شود.

It can grow when you try a sentence, notice that you were understood, and try another one.

اعتمادبه‌نفس می‌تواند وقتی جمله‌ای را امتحان می‌کنی، می‌بینی منظورت فهمیده شده و جمله دیگری را امتحان می‌کنی رشد کند.

The important thing is not having the perfect assistant.

مهم داشتن دستیار بی‌نقص نیست.

It is finding one small way to practise that fits your real life.

مهم پیدا کردن راهی کوچک برای تمرین است که با زندگی واقعی تو جور باشد.

Today, we have imagined an assistant that helps you prepare for a conversation.

امروز دستیاری را تصور کردیم که به تو کمک می‌کند برای یک گفتگو آماده شوی.

But what happens when agents begin to take on more of the tasks that fill a working day?

اما وقتی عامل‌ها بخش بیشتری از کارهای یک روز کاری را بر عهده بگیرند چه اتفاقی می‌افتد؟

They could change how teams organise work, what people are expected to do, and which skills become valuable.

آن‌ها می‌توانند روش سازمان‌دهی کار در تیم‌ها، انتظارات از افراد و مهارت‌های ارزشمند را تغییر دهند.

Could an agent take care of the routine parts of my job?

آیا یک عامل می‌تواند بخش‌های تکراری کارم را بر عهده بگیرد؟

And if it does, will I have more time to do meaningful work, or will my role change completely?

و اگر این کار را بکند، آیا برای کار معنادار زمان بیشتری خواهم داشت یا نقشم کاملا تغییر خواهد کرد؟

Those are the questions we will explore next time, with practical examples and no simple promises.

این‌ها پرسش‌هایی هستند که دفعه بعد با مثال‌های عملی و بدون وعده‌های ساده بررسی خواهیم کرد.

For now, choose one small thing you would like help with this week.

فعلا یک کار کوچک را انتخاب کن که این هفته برایش کمک می‌خواهی.

Perhaps it is planning dinner, understanding a letter, or finding the words for a conversation.

شاید برنامه‌ریزی شام، فهمیدن نامه‌ای یا پیدا کردن کلمات برای یک گفتگو باشد.

Start there, make the instructions your own, and see what works for you.

از همان‌جا شروع کن، دستورها را برای خودت تنظیم کن و ببین چه چیزی برایت مفید است.

You do not need to have all the answers before you begin.

لازم نیست پیش از شروع همه پاسخ‌ها را داشته باشی.

Sometimes, a better question is the first step.

گاهی یک سؤال بهتر نخستین قدم است.

And in our next conversation, we will ask what happens when those questions begin to change the way we work.

و در گفتگوی بعدی می‌پرسیم وقتی این پرسش‌ها شروع به تغییر شیوه کار ما می‌کنند چه اتفاقی می‌افتد.

Thank you for listening to Your English Toolbox.

از شنیدن Your English Toolbox سپاسگزاریم.

We look forward to seeing you next time.

مشتاق دیدار دوباره‌ات در قسمت بعد هستیم.